

نظری بمکتب ادیان و فلسفه احکام

(۵)

* آسماهی از راز خیانت

* تذکر لازم

* جلوگیری از سمپاشی مغرضین

* * *

آسماهی از راز خیانت

گفتار ما در شماره های گذشته باینجا منتهی شد که چرا در میان افرادیکه امروز خود را پیرو موسی و عیسی (ع) معرفی میکنند اثری از احکام الهی نیست و بهیچوجه تمید و پابندی بواجبات و محرمانتی از آنها بنظر نمیرسد بطوریکه بعضی از افراد بی دانش و کوتاه فکر گمان میبرند که این شدت بمث و زجر ، و اصرار بر عایت احکام ، مخصوص پیروان پیغمبر گرامی اسلام است . و خداوند پیروان پیغمبران پیشین را از قیود احکام آزاد گذاشته است . باینکه از آیات و اخبار بر میآید که اساس و اصول همین احکام در ادیان سابقه نیز بوده گرچه بمقتضای زمانها در لسان هر پیغمبری از لحاظ اجراء و خصوصیات و کیفیات آن فرق داشته و مردم عصر هر پیغمبری مأمو را بجر اء احکام بر طبق دستور همان پیغمبر بوده اند : **شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً والذی اوحینا الیک وما وصینا به ابراهیم وموسی و عیسی ان اقیموا الدین ولا لاتتفرقوا فیه** (شوری آیه ۱۱) «دین و آئینی که برای شما مسلمانان نهاده شده همان آئینی است که بنوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) توصیه شده بود و سفارش کرده بودیم که بپادارید دین را و ایجاد تفرقه نکنید» .

ولی متأسفانه ملت یهود و مسیحی کنونی اضافه بر آنکه خودشان خبری از احکام الهی و شریعت خدائی ندارند ، در کتلهای آنها نیز جز مقدار کمی از آن احکام بچشم نمیخورد . و ما بیان نمودیم که عامل مهم این انحراف عمومی آنان

و منشاء خالی بودن کتابهای دینی شان از احکام مقرر الهی و بی پروایه بودن آنها ، حق کشی های علما و کشیشان ، و کتمان نمودن نشان حقیقت را بجهت رسیدن بمقاصد شوم دنیوی ، و تحریف و تغییر دادن آنان احکام و آیات تورا و انجیل را برای خوش آمد زمامداران دیکتاتور و متنفذین قانون شکن سابق بوده است ، و از باب نمونه داستان ابن صوری را که باتفاق علمای تفسیر شان نزول بوده برای قول خداوند متعال : **یا اهل الکتاب قد جائکم رسولنا یبیین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتاب** (مائده آیه ۱۸) در شماره گذشته بیان کردیم ، گرچه راجع باین مطلب یعنی کتمان علمای یهود و نصاری حقیقت آیات و احکام الهی را و تبدیل و تغییر دادن نشان تورا و انجیل را بقدری مکرر در قرآن مجید تذکر داده شده و توییح میفرماید که ذکر همه آن آیات از حدود نوشتن این مقاله بیرون است و بعلاوه در بعضی از اسفار تورا کنونی نیز شاهد برای این مدعی بسیار دیده میشود که بیاری خداوند متعال بعداً عبارات آنها را عیناً برای جلب توجه علاقمندان نقل خواهیم نمود .

اینک ناگزیریم بخواسته بعضی از دوستان شمه ای از افاضات آخرین کتاب وحی آسمانی یعنی قرآن مجید را که دلالت بر مقصود ما دارد و پرده از روی حقیقتی را که بزرگان یهود و نصاری کتمان نموده اند بر میدارد و دستبرد و خیانت آنان را در مورد آیات و احکام الهی آشکار میسازد ذکر کنیم .

تذکر لازم

ولی لازم میدانیم که قبلاً و مطلب را یاد آور شویم :

۹ - بارها در ضمن گفتار خود اشاره نموده ایم که مقصود از وحدت دین الهی که موضوع گفتار ما است وادله و براهین بر آن اقامه میکنیم آنستکه خداوند عالم از روزیکه بشر را آفریده تا انقراض عالم راه سعادت را منحصر بیکراه مستقیم که عبارتست از اسلام قرار داده و پیغمبرانیکه از جانب خداوند آمده اند در اصول دین «توحید ، نبوت ؛ معاد» و اصول احکام اختلاف نداشته اند و مقرراتی را که برای مردم آورده اند مستند ب فکر و خواسته خود نداشته اند ، بلکه همگی از یکک مبدأ وحی اخذ نموده اند . البته ناگفته پیداست که ما ادعا نکرده ایم که تمام جزئیات و فروع احکام بلکه کیفیات آنها در لسان همه پیغمبران یکسان بوده ، ما

میگوئیم : طهارت در ادیان حقه سابقه بوده ، گرچه چگونگی تطهیر در زمان سابق با آنچه دستور پیغمبر آخر الزمانست متفاوت باشد . نماز و زکوة نزد همه پیامبران برحق واجب بوده هر چند در کیفیت اداء و پرداخت آندو فرق باشد چنانچه عیسی مسیح (ع) در گهواره بر نامه رسالت خود را چنین بیان می کند :

قال انی عبد الله آتانی الكتاب وجعلنی نبیا وجعلنی مبارکاً
اینما كنت و اوصانی بالصلوة و الزکوة مادمت حیا و برأ بوالدتی
 (مریم - آیه ۳۳) فرمود : من بنده خدایم بمن کتاب عطا فرموده ، و مرا پیغمبر خود قرار داده و بمن برکت داده هر جا باشم و در باره نماز و زکوة و خوبی ب مادرم تا زنده باشم سفارش نموده .

روزه در ادیان سابقه مقرر بوده : **کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم** (بقره - ۱۷۹) نوشته شد بر شمار روزه چنانچه بر مردم قبل از شما نوشته شده بود . و همچنین حج و جهاد و امر بمعروف و نهی از منکر و مقررات معاملات و حرمت ربا و آنچه تعدی بمال مردم باشد مانند : رشوه و قمار و برد و باختهای شانس و غیره ثابت بوده است چنانچه قرآن کریم در مقام سرزنش یهود بجهت تخلف از مقررات دینی میفرماید : **واخذهم الربا وقد نهوا عنه واکلهم اموال الناس بالباطل** (۱۶۰ - نساء) .

و نیز راجع بانواع گوشتها و سایر خوراکیها و آشامیدنیهای حلال و حرام آنطور که در قرآن و لسان پیغمبر ما است بآنها سفارش شده ، اصل حکم اوست هر چند از لحاظ کیفیت تقسیم ، جزئی تفاوتی داشته باشد نزد همه پیغمبران فرض و مسلم بوده ، و نیز قانون قصاص و دیات یک حکم قطعی و ثابت بوده است : و **کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعين والانیف بالانیف والاذن بالاذن والسن بالسن والجروح قصاص فمن تصدق به فهو کفارة له و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون** (مائده آیه ۴۹) نوشتیم بر آنها در توراة قانون قصاص را که جان در مقابل جان و چشم بچشم و بینی به بینی و گوش بگوش و دندان بدندان هست و جراحاتها نیز قصاص میشود ، پس

هر آنکس که گذشت کند کفاره ای برایش خواهد بود و کسانیکه برخلاف آنچه خدا نازل کرده حکم کنند مستمگرانند .

مفسرین در شان نزول این آیه گفته اند : که وقتی یهودان بنی قریظه از یهودیهای بنی نضیر که جمعیتشان بیشتر بود شکایت کردند که آنان بر ماستم میکنند زیرا اگر یکی از نفرات ما کسی از آنها را بکشد آنها فوری از روی قصاص یک نفر از طایفه ما می کشند و دیده بسیار نیز میگیرند ولی اگر کسی از قبیله ما بکشند بقصاص تن در نمیدهند و جراحاتی که بر افراد ما وارد کنند نصف قصاص جراحات افراد خودشان حساب میکنند و خلاصه از قدرت و قوه خود برای زورگویی و قانون شکنی که دأب همیشگی آنها است سوء استفاده میکنند آنگاه این آیه نازل شد که پرده از روی حکم قطعی تورا برداشت . (۱)

پس در آیه بعد میفرماید : **وقفینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصدقاً لما بین یدیهم من التوراة و آتیناه الانجیل فیه هدی و نور و مصدقاً لما بین یدیهم من التوریه و هدی و موعظة للمتقین** (۵۰-مائده)

در دنبالشان فرستادیم عیسی بن مریم را که تصدیق کننده بود تورا را و باو نیز دادیم کتابی بنام انجیل که در او هدایت و نور بود و گواهی میکرد آنچه در توریه بود و راهنما و موعظه بود برای پرهیزکاران، پس عیسی نیز همان احکام ثابت الهیه را تأیید میکند .

خلاصه خداوند عالم بر حسب پیشرفت زمان و رشد فکری مردمان پیغمبری با معجزات مناسب روز مبعوث فرموده تا همان دین خدائی و مقررات الهی را بوجه اکمل بمردم پیام و زدو با آمدن پیامبران پی در پی حقاقت دین برای مردم روشنتر و کاملتر گردید تا زمینه مساعد شد که عقل کل و ختم رسل مرئی عالم بشریت پیغمبر بزرگوار اسلام (ص) از جانب خداوند مبعوث گردد و همان دین الهی و احکام تغییر ناپذیر حضرت سبحانی را با کاملترین وجه و متین ترین دستور برای جامعه عالم بیان فرماید ، بطوریکه شایستگی دارد تا انقراض جهان بهمان منوال پایدار باشد : **ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم** (اسراء آیه ۹) «هر آینه این قرآن ، مردم را رهبری میکند بسوی محکمترین راه سعادت» .

جلوگیری از سمپاشی مغرضین!

۲ - منظور ما از تعقیب این موضوع و اثبات سابقه و اساس احکام بیدار نمودن افکار جوانانی است که چشم بسته فریفته مرام و روش غربیها شده همه چیز آنها را با نظر قبول می پذیرند و گمان میبرند که آنها هم با صرف بستگی و نسبت دادن خود پیغمبران عظیم الشان، و در دست داشتن کتانی بنام تورا و انجیل بدون پابندی به هیچ یک از مقررات و احکام الهی دارای دین صحیح و عقیده متینی هستند.

و نیز اخیراً بعضی از مغرضین خطر ناک با گفتار مسموم خود در مغز بعضی از جوانان ناپخته و کم تجربه سمپاشی نموده، بی اساس بودن احکام هر یک از پیغمبران را گوشزد نموده چنین ذهن آنها را مشووب میکنند که هر یک از انبیاء بمقتضای زمان یکسلسله مقررات و احکامی بصلاح دید خود برای نظم اجتماع برای مردم بیان کرده اند و وقتیکه دوران یکی از آنان سپری میشد پیغمبر دیگری روی کار می آمد و بطور کلی یا اکثر روی احکام پیغمبر سابق را قلم قرمز کشیده مقررات دیگری را جای آنها بر مردم تحمیل می نموده است.

و بدینوسیله خواسته اند غرض شوم خود را در مغز آنها جای دهند که با این حساب احکامیکه زیاد تر از یک هزار و سیصد سال قبل در جهان مقرر شده مناسب با اقتضای آن زمان بوده و در دنیا کنونی که اکثر ممالک متمدنی عالم، ربا خواری و قمار بازی و میگساری و انواع فحشاء و ناشایست را ترویج نموده، آزادانه از آنها طرفداری میکنند، جاندارد که تهدیدات و تو بیخات پیغمبر اسلام را که سالیهای متمادی قبل برای مردم آورده برخ مرتکبین کشیده و از این منکرات جلوگیری شود.

ما میگوئیم: عقل سلیم اجازه نمیدهد که انبیاء با عظمت حضرت حق بدون رعایت مصالح و مفاسد واقعی یکمشت مقررات خشک برای مردم آورده مخالفین را بحدود دنیا و عذاب آخرت تهدید نمایند، بلکه احکام الهی روی مصالح و مفاسد ذاتی که که مستقیماً با روح و روان انسانی مرتبط است دور میزند. کلیه واجبات، منافع اساسی و ریشه داری برای بشر داشته و محرمانه، زیان غیر قابل جبران برای سعادت او دارند که در پیرامون موضوع دوم کاملاً بحث و تحقیق خواهیم نمود «انشاء الله» و لذا در قرآن و لسان صاحب شریعت از غذاهای حلال بطبیات، «یعنی پاکیزه ها» و از محرمانه بخیائث و ارجاس «یعنی پلیدیها» تعبیر شده است.

و اما بیان تناسب نسخ با مطلب ما ... (در شماره آینده).